

بررسی نظریه افول دولت ها از منظر ابن خلدون

پرنیا رضی پور^۱

چکیده

ابن خلدون یکی از اندیشمندان و نظریه پردازان معروف مسلمان است که نظریات مختلفی در حوزه سیاست، جامعه و اقتصاد دارد. یکی از نظریات در خور توجه ابن خلدون نظریه افول دولت هاست. از همین روی پژوهش حاضر بررسی نظریه افول دولتها از منظر ابن خلدون می پردازد و تلاش می کند به این سؤالات پاسخ دهد: ابن خلدون چه نظری در مورد افول دولت ها دارد؟ آیا این نظریه قابلیت تحلیل تغییرات اجتماعی معاصر را داراست؟ برای پاسخ به این سؤالات با بهره گیری روش اسنادی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که در نظر ابن خلدون مولفه های نظیر: ستم و خودکامگی، عدم مشارکت مردم، فاصله میان پادشاه و مردم، فقدان عصیبت و روحیه عدم یادگیری، تجمل گرایی، عدم اتحاد قبایل منجر به افول و تزلزل یک دولت می گردد. از منظر دیگر بررسی نظریه افول دولت های ابن خلدون گواهی این مدعاست نظریات ابن خلدون نه تنها توجیه گر مسایل زمان اوست بلکه می توان با استناد به تفکرات او بسیاری از مسایل امروزی و حتی سقوط دولت ها را مورد ارزیابی و بررسی قرار داد.

کلید واژه: ابن خلدون، افول دولت ها، عصیبت، مسائل اجتماعی.

۱. دکتری جامعه شناسی، دانش آموخته دانشگاه آزاد تهران مرکز.

مقدمه

ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون ملقب به ابن خلدون می باشد که در سال ۷۳۲ هجری قمری برابر با سال ۱۳۳۲ میلادی در تونس چشم به جهان گشود؛ او از نیمه قرن چهاردهم میلادی، شروع به مدون نمودن اندیشه سیاسی خویش نمود (اویسی، ۱۳۹۹: ۱۲۳). ابن خلدون را می توان در میان اندیشمندان مسلمان یک استثناء دانست، زیرا پیشگام نگرش تاریخی جدیدی در دوران خود بوده است و پیشگامی او را می توان در نحوه ی نگاه او به تاریخ دانست (بنی جمالی، ۱۳۹۰). اروپاییان، ابن خلدون را پیشگام اندیشه های اجتماعی و پایه گذار فلسفه تاریخ به شیوه جدید می دانند، در نظر آن ها فلسفه تاریخ عبارت از: معرفتی که در آن از حرکت، محرک، میسر و هدف تاریخ بحث می شود (سروش، ۱۳۵۷: ۷). از منظر دیگر وی در میان اندیشمندان مسلمان نیز چهره ای منحصر به فرد است، زیرا متفکرانی مانند ابن سینا، ابن رشد، سهروردی، بیشتر به فلسفه ی اولی توجه داشتند و به صورت اختصاصی به مسائل اجتماعی توجه نمی کردند اما ابن خلدون به صورت متمرکز به بحث در مورد جامعه پرداخت و از این حیث از نظریه پردازی فیلسوفانه فاصله گرفت. او برای تشریح دیدگاه های خود از لحاظ علمی نام «علم عمران» را انتخاب کرد و ویژگی این علم را بحث و گفت و گو در مورد جامعه و تمدن انسانی دانست (طباطبایی، ۱۳۹۱). از این رو او در زمره ی نخستین متفکرانی است که با روش علمی در قرن هشتم هجری قمری به مطالعه ی پدیده های اجتماعی و سیاسی پرداخته است و در مقدمه کتابش به شرح آرای سیاسی خود پرداخته و در مورد انگیزه ها و ساز و کارهای تحول تاریخی، دگرگونی دولت ها و جوامع سیاسی بحث نموده و ذیل علم عمران که منظورش نیز همان علم اجتماع است، به بررسی تحول دولت ها پرداخته است (رفیع و عباس زاده، ۱۳۹۴). بنابراین، می توان گفت وی علم سیاست را زیرمجموعه ی جامعه شناسی می دانست.

از طرفی عبدالرحمن محمد بن خلدون^۱ می توان اندیشمند دوره ای دانست که تمدن اسلامی و سده ها پیش^۲ از آن به پایان زرین خود رسیده بود. ابن خلدون با تامل در واقعیت و مسائل این دوره اسلامی به درستی دریافته بود که برای تجدید حیات اجتماعی و معنوی تمدن اسلامی راهی جز تحلیل واقع بینانه و بینش عقلانی امکان پذیر نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ۱۳۹۱). او دولت را در یک جریان تاریخی مورد مطالعه قرار می دهد (ارمکی، ۱۳۸۵، ۳۰۳)؛ و کوشید تا نظریه کلی و همه جانبه

^۱(۷۳۲-۸۰۸ هجری قمری)

^۲از طرفی صرف نظر از جوامع مسلمان، دوره حیات ابن خلدون، مصادف با دوره گذار قرون وسطی به دوره رنسانس در اروپا بود و او از آن اوضاع مطلع بوده است (بزرگر، ۱۳۸۳: ۷۶). به طور کلی پنهانگری تمدن اسلامی آن روز، به ابن خلدون این امکان را داده بود تا آنچه در آن روزگار می گذشت آگاهی یابد (موسوی، ۱۳۹۰).

ای در مقدمه مطرح سازد تا در پرتو آن بتواند اصل و امتداد حکومت ها را در زمان و مکان مورد تحقیق و بررسی قرار دهد (ستوده، ۱۳۸۵، ۱۱۵). در واقع آن چه موجب شد که توجه ابن خلدون افول دولت ها جلب شود، بحران و نابسامانی ها و سقوط تمدن اسلامی در دوره او بود. ابن خلدون با یک پژوهش توصیفی و تاریخی و با بیان حکایات و داستان های سعی دارد به ما بیاموزد که تاریخ بهترین معلم برای درس گرفتن و عبرت آموختن است. نوع نگاه تیزبین و ژرف اندیش ابن خلدون به درون مایه و شیرازه مسائل در ورای ظاهری و سطحی نگری های موجود موجب شده نظریه انحطاط و افول دولت ها داری چارچوب منسجم و قابل اتکا باشد، قرابت نظریه افول دولت ها ابن خلدون با انقلابات مختلف در جهان موجب شده که در این پژوهش با تاسی از نگرش ابن خلدون به بررسی این تغییرات بپردازیم.

بررسی مراحل تطور دولت در نظر ابن خلدون

ابن خلدون عقیده دارد که دولت در مراحل مختلف دارای حالات گوناگونی است. در نظر او زمامداران و حاکمان هر یک از این مراحل صفتی را کسب می کنند که متضمن همان مرحله است و در مرحله دیگر وجود ندارد او حالات و مراحل دولت در فقط پنج مرحله می داند و اعتقاد دارد مرحله پنجم مرحله پیری و انحطاط یک دولت است و اگر دولتی به مرحله پنجم برسد در این مرحله منقرض می شود و هیچ راه گریزی برای برای فرار از انقراض آن وجود ندارد (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۳۳۶). در واقع او بر این باور است که این ۵ مرحله دارای یک تطور زمانی است بدین معنا که هر مرحله پس از عبور از مرحله پیشین خود احراز می شود و هیچ دولتی به یکباره وارد مرحله پنجم نمی گردد. این مراحل به شرح زیر می باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. کتاب مقدمه ابن خلدون کوششی است در راه نقد تاریخ و حمله بر مورخان که بر روایات به نظر انتقادی نمی نگرستند. او در باره آن روزها در کتاب مقدمه می نویسد: در آن ایام مطالب بسیار بر فکر من هجوم آورد و من زبده و چکیده آنها را در این تالیف آورده ام (خوشرو، ۱۳۷۲).

جدول مراحل دولت:

علائم	علت	نام	مراحل
دولت حامی ملت و قوم خویش است	چیرگی بر مخالفان و استیلاء یافتن بر کشور بر دولت پیشین.	چیرگی و پیروزی	مرحله اول
کاهش مشارکت مردم، کاهش عصبيت	تسلط یافتن بر قبیله و خودکامگی.	مرحله خودکامگی	مرحله دوم
کسب ثروت و به یادگار گذاشتن آثار جاودان، شهرت طلبی	آرامش دولت برای برخورداری از ثمرات پادشاهی .	مرحله آسودگی	مرحله سوم
تقلید از آداب رسوم پادشاهان گذشته ایجاد ارتباط با پادشاهان همانند خود.	نوعی احساس خرسندی و رضایت با آن چه گذشتگان پایه گذاری کرده اند.	مرحله خرسندی	مرحله چهارم
دولت به فرسودگی و پیری می رسد و در نتیجه توسط اقوام دیگری که داری عصبيت بیشتری هستند، منقرض می شوند. (عابد الجابری ، ۱۳۹۸).	مرحله ای است که نظم سیاسی- اجتماعی برهم می خورد و تجمل پرستی و راحت طلبی شدت می گیرد و به پیروی از آن، فاصله طبقات جامعه نیز افزایش می یابد و بنیه اقتصادی جامعه به ضعف می گراید. در نتیجه اغتشاشات روی می دهد و تجزیه دولت آغاز می گردد (اسدی کویچی ، ۱۳۸۹). در واقع در نظر ابن خلدون در سایه تجمل و از بین شهامت، مغرور شدن و فساد بین مردم گسترش می یابد، زیرا سلسله حاکم، کارکنان و وابستگان آن نمونه نامطلوبی در این زمینه هستند(حرم پناهی ، ۱۳۸۸).	مرحله اسراف و تبذیر	مرحله پنجم

از نظر ابن خلدون دولت های قدرتمند دارای مولفه هایی هستند که موجب شکوفایی و توانمندی دولت آن می گردد. در واقع در نظر او تجمع این مولفه ها در ساختار دولت موجب انسجام دولت و مضاعف شدن قدرت نظامی و اجتماعی است .

مشخصات یک دولت قدرتمند به عقیده ابن خلدون

مورد	علائم	مشخصه
۱	عصبیت بالا	خاستگاه عصبیت بر اساس ارای ابن خلدون در عوامل زیر وجود دارد ۱- پیوندهای خویشاوندی، ۲- هم پیمانی، ۳- هم سوگندی، ۴- نسب و حسب، ۵- دین، ۶- محیط و شرایط معیشت (بادیه نشینی) است. (ستوده، ۱۳۸۵، ۱۱۶) به عقیده ابن خلدون دولت در مرحله اول داری عصبیت بالا و همبستگی و پیوستگی میان اعضا از نظر نگرش و پیوندهای خونی است
۲	روحیه خود جوش	روحیه خودجوش و خشن و جهانگیری از صفات دولت قوی است. ابن خلدون قدرت و خشونت را از ویژگی های دولت مقتدر می داند (ارمکی، ۱۳۸۹، ۳۳۴)
۳	دفاع مشترک و انسجام و گروهی	غرور ملی، حس حمایت و دفاع مشترک و جانسپاری هر یک از افراد از یاران خویش از نتایج عصبیت است (ارمکی، ۱۳۸۹: ۳۳۴).
۴	تعداد کارگزاران	هرچه تعداد کارگزاران بیشتر باشد نشان دهنده قدرت و عظمت دولت است.
۵	جمعیت زیاد	ابن خلدون وجود جمعیت را عامل قدرت دولت می داند . چرا که وجود جمعیت کثرت نیروی کار، ارتش قوی، رشد صنایع، درنهایت رشد کشاورزی و اقتصادی افزایش می دهد.

مورد	علایم	مشخصه
۶	وسعت قلمرو	وسعت و پنهاور بودن یک قلمرو مشخصه دولت قوی است.
۷	رفاه و توانگری	ابن خلدون عقیده دارد توانگری و افزایش نعمت در آغاز دولت می افزاید و در قبایل موجب افزایش مولید می انجامد و موجب افزایش جمعیت دولت و بیشتر شدن توان آن می شود.
۸	رابطه دولت و مردم	تشکیل دادن دادن کشور تنها از راه قدرت و غلبه امکان پذیراست و غلبه و نیرو در عصبیت و مردم وجود دارد پس یک دولت برای کشورگشایی و قدرتمند شدن نیاز به عصبیت (مردم) دارد (ارمکی ، ۱۳۸۹: ۳۳۵).
۹	کسب آداب و سنن از دولت های قدیمی	ابن خلدون عقیده دارد یک حکومت جدید در ابتدا حکومت مجبور است شیوه حکومت را از دولت های دیگر به عاریت بگیرد.
۱۰	خراج ستانی	در نظر ابن خلدون باج و خراج ستانی شیوه برای کسب ثروت و ثروتمند شدن یک دولت است.
۱۱	یادگاری و تاریخ	آثار و بناهایی که دولت ها در آغاز پایه گذاری داشتند او عقیده دارد هر اثری که بجا می ماند و به نسبت آن نیرو است. یادگاری نشان دهنده فزونی کارگران، و همزیستی جماعت و نشان دهنده تعاون و همکاری در یک دولت است (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۳۳۷).

مورد	علایم	مشخصه
۱۲	تمدن سازی	او تمدن سازی را مشخصه دیگر دولت قوی می داند . در واقع کیفیت تمدن یک دولت به نسبت عظمت و پهناوری آن می باشد.
۱۳	کارکرد دولت	۱) استمرار حاکمیت ۲) برپایی بنا ۳) تسلط دولت بر قبایل (ارمکی، ۱۳۸۹، ۳۳۷)

از منظر دیگر ابن خلدون بر این عقیده بود که وجود مولفه ها و عواملی موجب زوال و انحطاط یک دولت و یک حکومت است. در نگاه او هر یک از این مولفه ها خود می تواند از علل و عوامل متعددی ناشی شود. در واقع ابن خلدون بر این باور است که مولفه های نظیر ستم، فاصله گیری حاکم از مردم، عدم انسجام و مشارکت، تجمل گرایی و اسراف، عدم عصبیت^۱ و عدم اتحاد قبایل، نابسامانی شرایط اقتصادی منجر به تخریب چارچوب اجتماعی و موجب ضعف و انحطاط در درون یک دولت است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. عصبیت در لغت از ریشه عصب مشتق شده به معنای پیوند و پیوستگی است. در واقع عصب به معنای بندهایی می باشد که مفاصل را به یکدیگر متصل می کند. این واژه منسوب به عصبه است که به نزدیکان پدری فرد اطلاق می شود (ابن منظور ، ۱۴۱۴ ق). ابن خلدون اعتقاد دارد که عصبیت تنها خویشاوندی نسبی و سببی نیست، بلکه دایره آن بسیار فراتر از ارتباط خونی و فامیلی است (حصری، ۱۳۸۷).

جدول علل ضعف دولت در نگرش ابن خلدون

اثر هر مولفه	تعریف هر مولفه در نگرش ابن خلدون	مولفه های ضعف دولت
<p>ستم را عامل ویرانی اجتماع نتایج ویرانی اجتماع و عدم آبادانی که عبارت از تباهی و تزلزل و سقوط است به دولت باز می گردد (همان، ۵۵۴)</p>	<p>بلکه ستمگری مفهوم کلی تر از این دارد و هر کس ثروت یا ملک دیگری را از چنگ او بریاید و یا او را به بیکاری گیرد یا به ناحق از وی چیزی بخواهد یا او را به ادای تکلیف و حقی مجبور کند که شرع آن را واجب نکرده چنین کسی ستمگر است (ابن خلدون، ۱۳۶۶).</p> <p>ابن خلدون به دو صورت ستم اشاره می کند (۱) ستم در کار اجباری و مزدوری کارگران. (۲) ستم در ارزان خریدن محصولات و کالا های مردم و گران فروشی آن محصولات .</p>	<p>ستم</p>
<p>استبداد که موجب تجزیه و انحطاط حکومت و بیانگر فرسودگی و پیری دولت است.</p>	<p>سرباز زدن پادشاه از مشارکت افراد در حکومت و رفتن به سمت خودکامگی و استبداد که موجب تجزیه و انحطاط حکومت و بیانگر فرسودگی و پیری دولت است. این مرحله شروع خودکامگی و ریاست مطلق و انحصاری کردن قدرت است، چراکه پادشاه تمایل دارد تنها خودش قدرتمند باشد و در نتیجه بر قبیله ی خود نیز مسلط می شود و مانع آنان در رسیدن به قدرت خواهد شد و به جای آن ها از موالی کمک می گیرد (ابن خلدون، ۱۳۶۶) در نتیجه، در این دوره است که جدایی بین دولت و ملت شروع می شود، چون که حاکم درصدد برمی آید تا حد امکان از عامه مردم دوری جوید و به این شکل پرده یا حجابی بین مردم و حاکم ایجاد می شود. از نظر اقتصادی نیز،</p>	<p>استبداد و خودکامگی (عدم مشارکت مردم)</p>

اثر هر مولفه	تعریف هر مولفه در نگرش ابن خلدون	مولفه های ضعف دولت
	در این مرحله کلیه درآمد و خراج به سلطان یا حاکم اختصاص می یابد. در نتیجه جاه و جلالشان وسعت یافته و درباریان، موالی و شرطه نیز به کسب ثروت روی می آورند (ادیبی ، ۱۳۸۹).	
موجب فرسودگی و پیری حکومت می شود.	یکی از مولفه های دیگری که ابن خلدون از آن نام می برد، فاصله میان مردم و سلطان است و این فاصله و که به عنوان پرده های حایل شده یاد می کند که در مرحله فرسودگی و پیری دولت فزونی می یابد.	فاصله میان پادشاه و مردم
ابن خلدون عدم عصیبت موجب ضعف و چیرگی دیگر گروه ها و اقوام بر دولت می داند. او عقیده دارد فراز و نشیب های یک خلافت تحت تاثیر پدیده های متفاوتی نظیر نیروی درونی عصیبت است (طالبی ۱۳۹۱).	ابن خلدون عقیده داشت پایه و اساس یک دولت را بر پایه عصیبت روی می دهد و کاهش عصیبت ضعف توان دولت می شود (ابن خلدون ۱۳۶۶، ۵۶۹)	عدم عصیبت و روحیه یادگیری
تجمل گرای موجب : (۱) رواج ناعدالتی (۲) ضعف لشکر کاهش قدرت دولت و انقراض آن (۳) رواج عادات و آداب زشت (۴) عدم روحیه دلاوری و جنگاوری در نسل های بعدی .	در نظر ابن خلدون تجمل گرای شامل ناز و نعمت که منجر به اسراف کالا می گردد. که منجر به ضعف قدرت دولت و عاملی برای پیری انقراض آن است .	تجمل گرایی

مولفه های ضعف دولت	تعریف هر مولفه در نگرش ابن خلدون	اثر هر مولفه
عدم اتحاد قبایل در درون جامعه	از نظر ابن خلدون وجود قبایل بسیار که حامی دولت مرکزی باشد، نشان دهنده قدرت دولت است. از طرفی در صورت تعارض با یکدیگر و یا با دولت مرکزی منجر به ضعف دولت می گردد (ارمکی، ۱۳۸۵، ۳۳۸)	تعارض گروهها و قبایل منجر به ضعف دولت می گردد.
تقلید	ابن خلدون عقیده دارد که قوم مغلوب همواره شیفته آداب، روش و رفتار و رسوم ملت غالب می گردد.	در نظر ابن خلدون تقلید موجب ضعف عصبیت و ضعف دولت می گردد.
شرایط اقتصادی	ابن خلدون شرایط اقتصادی را عاملی برای نگهداشت سپاه و انسجام لشکریان یاد می کند. او عقیده دارد دولت در ابتدا دارای خصایل بادیه نشینی است و در مخارج و اقتصاد میانه روی می کند اما زمانی ولخرجی گرایش پیدا کرد موجب ضعف دولت می گردد.	شرایط اقتصادی بد و نابسامان منجر به ضعف دولت می گردد.

مولفه هایی که به عقیده ابن خلدون موجب ضعف و انحطاط دولت می شود بدین شرح زیر است. که به صورت توصیفی و با استناد به نظریه افول دولتها ابن خلدون استخراج گردید.

۱- ستم: ابن خلدون عقیده دارد تجاوز به اموال مردم موجب ناامیدی و عدم تلاش و کوشش مردم می شود او علت مهاجرت را ناشی از ستم و ناامیدی مردم می داند (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۵۵۲) او در مورد ستمگری عقیده دارد ستمگری دارای ابعاد و دامنه وسیع است. (نباید گمان کرد که ستمگری چنان چه مشهور است تنها عبارت از گرفتن ثروت و یا ملک از دست مالک آن بدون عوض و سبب است، بلکه ستمگری مفهوم کلی تر از این دارد و هر کس ثروت یا ملک دیگری را از چنگ او برباید و یا او را به بیکاری گیرد یا به ناحق از وی چیزی بخواهد یا او را به

ادای تکلیف و حقی مجبور کند که شرع آن را واجب نکرده چنین کسی ستمگر است) (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۵۵۵). در ادامه ابن خلدون معتقد است آنچه ستم یک دولت را از ستم یک شخص متمایز می کند؛ درجه مقاومت و دفاع افراد در برابر آن است. او با بیان حکایتی می خواهد نشان دهد که ستم و ظلم در انحطاط حکومت و تنزل آن نقش مهم ایفا می کند (از این حکایت باید دریابی که ستم ویران کننده آبادانی و اجتماع است و نتایج ویرانی اجتماع و آبادانی که عبارت از تباهی و تزلزل و سقوط است به دولت باز می گردد) (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۵۵۴).

او در بیان ستم از انواع مختلف ستم نام می برد:

الف) یکی از بدترین نوع ستم را کار اجباری و مزدوری کارگران می داند (همان: ۵۵۷) در نظر او ظلم و ستم بر کارگران بدترین ظلم است. ابن خلدون در ادامه می گوید: از این رو اگر آن ها را به کاری که جز در شخصیت شان و دارند و خود دستمزد کار آن ها را که همان روزی آن هاست به آنها نپردازند کسب شان باطل می شود، از این رو به آنان ستم رسانده و سهم بزرگی از معاش و بلکه مجموعه و کلیه معاش آن ها از آنان ربوده اند و اگر ستم درباره آنان تکرار شود امید از آبادانی بر می افکند و در ورطه ناامیدی گرفتار می شود و به کلی افراد جامعه از کوشش و تلاش در آبادانی دست می کشند و تداوم این وضع به واژگون شدن اجتماع و جامعه منتهی می شود.

ب) دومین نوع ستم که از ستم قبلی بدتر می داند، ستمی است که ناشی گران فروشی و تدلیس در کالا خریداری شده است. او عقیده دارد که این دو مولفه موجب آن می شود که اجتماع و دولت را سریعتر به سراشیبی سقوط و تباهی نزدیک تر شود. در واقع ارزان خریدن محصولات و کالاهای مردم و گران فروشی آن محصولات، اجبار و ستم ناشی از این دو معامله موجب تنگدستی و راکد شدن بازار و داد ستد و افزایش تنگدستی و فقر در جامعه می گردد که موجب واژگون شدن دولت و تباهی اجتماع است (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۵۵۹).

۲- فاصله میان مردم و حکام: او از این فاصله به عنوان پرده های حایل شده یاد می کند که در مرحله فرسودگی و پیری دولت فزونی می یابد (همان: ۵۶۰).

۳- عدم مشارکت افراد در دولت: سرباز زدن پادشاه از مشارکت افراد در حکومت و رفتن به سمت خودکامگی و استبداد که موجب تجزیه و انحطاط حکومت و بیانگر فرسودگی و پیری دولت است. زیرا که وقتی پادشاه به عظمت و تجمل خواهی می رسد به سمت خودکامگی گام بر می دارد، آن وقت از مشارکت دادن دیگران در امر فرمانروایی خود سرباز می زند و تا حد امکان موجب ضعیف شدن حکومت می گردد و همین امر از قدرت مرکزی رفته رفته کم می کند و موجب قدرت گرفتن معترضان و استقلال طلبان می گردد (همان: ۵۶۳).

۴- تجمل گرایی: ابن خلدون عقیده دارد که زمانی تجمل گرایی در میان بسیاری از اعضای دولت رواج یابد موجب می شود دخل و خرج برایشان برابری نکند و بدین سبب تهی دستان در میان ایشان

از بینوایی و فقر می میرند و آنان که در ناز و نعمت تمام است مستمری را صرف خوشگذرانی خویش می کند. او عقیده دارد زمانی دولت به جهانگشای و وسعت بخشیدن مرز و بوم مسیر می شود که اعضای دولت هنوز عادات و رسوم بادیه نشینی را از دست ندهند (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۵۷۵). اما زمانی که به گرداب تجمل و ناز و نعمت فرو روند و به عادات شهرنشینی خو گیرند و نسل های آنان بر این شیوه پرورش یابند، آن وقت بر نگهبانان و لشکریان نرمخوبی چیره می شود و صفات سرسختی و دلاوری و مردانگی را از دست می دهند (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۵۷۶). در واقع در این حالت از منظر ابن خلدون شکوه و شوکت دولت در هم می شکند و از نفوذ قدرت آن می کاهد که این وضع موجب می شود:

الف) نخستین رخنه و خرابی به دولت وارد آید که از ناحیه سپاهیان و لشکریان است. از این رو که در مخارج زندگی اسراف تبذیر را پیش می گیرند و بیش از حد تجمل و اشرافیت را دنبال می کنند.
ب) دومین خرابی و رخنه وضع بد مالی و امور خراج هاست و در نتیجه دو لطمه و آسیب نظیر اول تباهی سپاهیان و دوم آشفته گی اقتصادی را در دستگاه دولت پدید می آید. ابن خلدون عقیده دارد اثراتی که تجمل گرایی در جامعه می گذارد در ابعاد مختلفی است که در جدول صفحه بعد نشان داده شده است.

ویژگی	مورد
موجب ناعدالتی میان (دربار و حاکمان) و (مردم بینوا و فقیر) می شود.	۱
موجب نقص در لشکریان و تنزل آن ها و در نتیجه کاهش قدرت دولت و حمله همسایگان و قبایل و گروه ها منجر به نابودی دولت می گردد.	۲
عامل برای ترویج عادات و بدی ها و فرومایگی در رفتار مردم می شود که منجر به بدبختی و انقراض دولت می گردد.	۳
منجر به تغییر روحیات نسل های آینده می گردد و نسل های جدید فاقد عادات بادیه نشینی مانند سرسختی، دلاوری باشند که نتیجه آن سپاه و لشکری ضعیف است (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۳۲۲)	۴

۵- **عدم عصبیت:** در نگرش ابن خلدون عصبیت عامل انسجام جامعه است چرا که موجب نزدیکی افراد در قالبی به هم پیوسته و منسجم می گردد. به تعبیری می توان عصبیت را معادل وجدان جمعی دورکیم فرض نمود. در نظر ابن خلدون پایه و بنیان نهادن یک دولت تنها از روی عصبیت روی می دهد و ناچاراً باید عصبیت بزرگی وجود داشته باشد که دیگر جمعیت ها و عصبیت را پیرامون خود گرد آورد و همه آنها از آن عصبیت پیروی کنند (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۵۶۹). در تعریف عصبیت از نظر ابن خلدون آمده است: «غرور قومی و مهری که خداوند در دل های بندگان خویش نسبت به خویشاوندان و نزدیکان قرار داده، در طبع بشری وجود دارد و همکاری با یکدیگر وابسته بدان می باشد. ابن خلدون مفاهیمی مانند دین، زندگی بادیه نشینی، حسب و نسب، و نوع ارتزاق را در تشریح نظریه ی عصبیت به عنوان مبنا قرار داده است و منشاء عصبیت را فطری و در ذات بشر می داند، بدین معنا که می گوید: دو عنصر در وجود آدمی که مهر و غرور ملی و سرکشی و عصیان نام دارد و در وجود بشر نهفته است، موجب به وجود آمدن عصبیت می شود و محیط بادیه نشینی و نوع معیشت آن و همچنین محیط دینی در جوامع دینی موجب رشد عصبیت می شود (رفیع و مرزبالی، ۱۳۹۴: ۱۶۷). او عقیده دارد یکی از عواملی که موجب کاهش عصبیت می شود؛ تحمل گرایبی و توانگری در دولت است که موجب تباهی و ایجاد خلل در دولت می گردد. در واقع او معتقد است اگر دولت حتی در صورت فقدان عصبیت قوی و نیرومند باشد و مردم بر حسب عادت و خوی از آن پیروی کنند و دولت از لشکریان حقوق بگیری اکتفا کند از گزند سرکشان و آلودگی مصون باشد چنین دولتی را تشبیه به بدنی است که در صورت نرسیدن مواد غذایی خود به خود به سمت سقوط و ویرانی منتهی می شود (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۵۷۲).

۶- **عدم اتحاد قبایل:** ابن خلدون برای این سوال که چگونه دولت تازه تشکیل می یابد دو عامل را بیان می کند:

۱. نخست فرمانروایان ولایات و استان های دور دست هنگامی که می بینند از نفوذ دولت کاسته شده و سایه قدرت شان از سرزمین بر افتاده است هریک به شکل دولت نوینی دست می زنند و بر مردم آن سرزمین تسلط می یابند.

۲. از ملتها و قبایل مجاور دست طغیانگری می زند و یا از راه مردم به واسطه آیین خاصی نیروی در گرد خود فراهم سازد.

در نظر ابن خلدون هر چند شماره سپاهیان و سلاح و شدت و صلابت در پیکار و پیروزی را تضمین می کند ولی وسایل مزبور در عین حال در برابر امور وهمی وافی نیست به همین سبب خدعه و نیرنگ از سودمند ترین وسایلی است که در جنگ به کار می رود و اغلب پیروزی از طریق آن به دست می آید.

۷- **شرایط اقتصادی:** ابن خلدون از شرایط اقتصادی به عنوان مال و پول یاد می کند و عقیده دارد که مال (پول) که نگهدارنده سپاهیان است چرا که پادشاه همه نیازمندی ها و وسایل کشور را بر اساس آن فراهم می کند. او عقیده دارد که دولت در ابتدا دارای خصایل بادیه نشینی و از این رو بر رعایا و مردم با ملایمت و مدارا رفتار می کنند و در مخارج از طریق اقتصاد و میانه روی را بر می گزینند و نسبت به اموال مردم با پاکدامنی رفتار می کند. در این هنگام اسراف و مخارج بی حد و حصر یافت نمی شود ولی سازمانی که به تجمل خواهی و ناز نعمت تمایل می گراید و بدین سبب اسراف و لخرجی پیش از پیش رواج می یابد و در دولت خلل ایجا می گردد (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۵۶۸). از طرفی ابن خلدون روش معیشت افراد جامعه را تحت تاثیر اوضاع طبیعی و اقلیمی می داند (رحمانی فیروزجاء و سهرابی، ۱۳۹۰: ۲۰).

۸- **جبر اجتماعی:** ابن خلدون عقیده دارد اگر علایم پیری و فرسودگی به دولتی راه یابد به هیچ رو برطرف نمی شود و راه گریزی برای آن نیست. بنابراین هرگاه فرسودگی در دولت طبیعی باشد روی دادن آن هم بسان پدید آمدن همه امور طبیعی خواهد بود. در واقع همان بیماری در حیوانی پیری است که و آن عارضه مزمن درمان ناپذیر است که نمی توان آن را برطرف کرد زیرا این امور تغییر ناپذیرند (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۵۶۷)



نتیجه گیری:

بررسی نظریه افول دولت ها از منظر ابن خلدون نشان می دهد، هنوز پس از گذشت قرن ها از ارائه این نظریه، نظریه فوق قابلیت تحلیل بسیاری از تغییرات اجتماعی، انقلابات و افول دولتها و حکومت های امروزی را داراست. مولفه های مانند ستم و ظلم و مزدوری کارگران، گران و فروشی نظریاتی هستند که ابن خلدون قبل از مارکس بدان اشاره کرده است و این مبین نگاه ژرف و بینش جامعه شناسانه ابن خلدون است. از طرفی مولفه های مانند عدم مشارکت مردم و پرده های حایل شده میان شاه و مردم نشان دهنده این مساله است که در نظر ابن خلدون مردم مداری که امروزه با نام دموکراسی از آن یاد می شود، مساله مهم و اساسی در نزد او بوده است چرا که در نظر او نبود مشارکت و تمامیت خواهی حکومت ها راهی جز افتادن در مرداب سقوط ندارد.

همان طور که ابن خلدون اشاره داشت دو ویژگی خودکامگی و استبداد به عنوان عامل موثری در سقوط دولت هاست. مشاهده تغییرات و انقلابات مختلف در دهه گذشته مبین همین استدلال ابن خلدون است. چرا که موجب خود کامگی و عدم مشارکت مردم بر افزایش نارضایتی حداکثری جوامع افزوده است. از طرفی مولفه های نظیر تجمل گرایی ما را به این حقیقت می رساند که مسائل اقتصادی در نظر ابن خلدون بسیار مهم و پر اهمیت است چرا که در نظر او اقتصاد عامل بسیار مهمی در نگهداشت و استحکام یک لشکر و جامعه است. مولفه مانند فقدان عصبیت نیز یکی از مولفه های است که ابن خلدون بدان اشاره کرده است که به نوعی می توان نزدیک به وجدان جمعی دورکیم دانست. درواقع ابن خلدون عقیده دارد وجود عصبیت در جامعه عامل همبستگی و پیوستگی اعضای جامعه است و خصوصا عصبیت دینی را یکی از مهمترین نوع عصبیت در نظر اوست. در پایان این که این پژوهش نشان می دهد که نظریات ابن خلدون نه تنها توجیه گر مسایل زمان اوست بلکه می توان با استناد به نگرش او بسیاری از مسایل امروزی و افول دولت ها را مورد ارزیابی و بررسی قرار داد.

منابع:

- ابن خلدون. عبدالرحمن (۱۳۶۶) مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی. انتشارات علمی و فرهنگی
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق) لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- آزاد ارمکی. تقی (۱۳۸۹) تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام. تهران. علم
- ادیبی، مهسا (۱۳۸۹) تحلیل ظهور و سقوط سلسله صفویه با رویکردی به نظریه دولت ابن خلدون. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- اویسی، محمد رضا (۱۳۹۹) نظریه دولت در اندیشه سیاسی ابن خلدون. فصلنامه تخصصی سپهر سیاست، سال ۷. شماره ۲۶.
- اسدی کویچی، علی اکبر (۱۳۸۹) مقایسه عصبیت ابن خلدون با سرمایه اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- بنی جمالی، احمد (۱۳۹۰) اندیشه ی سیاسی متفکران مسلمان «ابن خلدون». «تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۳). تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، تهران: انتشارات سمت.
- خوشرو، غلامعلی (۱۳۷۲) شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- دیلینی. تیم (۱۳۸۹) نظریه کلاسیک جامعه شناسی. تهران. نشرنی
- ستوده. هدایت. (۱۳۸۵) تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از فارابی تا شریعتی. تهران نداری آریا.
- رفیع، حسین؛ عباس زاده مرزبالی، مجید (۱۳۹۴). بررسی ماهیت و فراز و فرود دولت در اندیشه ابن خلدون. علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۳۱،
- رحمانی فیروزجاء، علی و سهرابی، سعدیه (۱۳۹۰) رابطه سبک زندگی و دین داری از دیدگاه ابن خلدون، پژوهش علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول.
- طالبی، محمد (۱۳۶۶). ابن خلدون و تاریخ ترجمه محسن حسنی، سپیده ره انجام. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۵۷) فلسفه تاریخ، تهران انتشارات حکمت، چاپ اول .
- عابد الجابری، محمد (۱۳۹۸) اندیشه ابن خلدون عصبیت و دولت، مترجم احمد فرادی اهوازی. تهران انتشارات علمی.
- حرم پناهی، ریحانه (۱۳۸۸) کارکرد تمدن دینی، بررسی نظریه دولت قدرت مدار از دیدگاه ابن خلدون. فصلنامه تاریخ اسلام، سال دهم، شماره ۲.

- حصری، ساطع (۱۳۷۸). در اسات عن مقدمه ابن خلدون. مکتبه الخانجی، دارالکتاب العربی.
- طباطبایی، جواد (۱۳۹۱) ابن خلدون و علوم اجتماعی. تهران: ثالث.
- موسوی، محمد (۱۳۹۰) اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

